

۱۴ فروردین ۱۳۹۵

## گفتگو با سروش دباغ

## حجاب اجباری و حجاب اختیاری در ترازوی اخلاق

گفتگو با سروش دباغ

حجاب، امروز در جامعه ایران از جمله مباحثی است که روشنفکران دینی و فقها از چشم‌انداز و افق‌های گوناگونی به آن پرداخته‌اند، بسیاری از فقهای اهل سنت و شیعه معتقد به پوشش سر و گردن زن هستند اما برخی از فقها و روشنفکران دینی معاصر نظیر مرحوم احمد قابل و سروش دباغ، در برابر حجاب، موضعی متفاوت گرفته‌اند و معتقدند نپوشاندن موی سر و گردن زنان در روزگار کنونی به لحاظ شرعی و اخلاقی، امری ناروا نیست. در همین ارتباط با سروش دباغ، روشنفکر دینی گفتگو کرده‌ایم.

وی در گفتگو با زیتون، معتقد است حکومت نمی‌تواند زنان را به داشتن حجاب مجبور کند. به گفته وی، نه در حکومت اسلامی ایران و نه در هیچ نظام دیگری برپایه دلایل شرعی و اخلاقی، حجاب نمی‌تواند امری اجباری باشد. این روشنفکر دینی ساکن کانادا که در مقالات خویش به مقوله حجاب از دیدگاه اخلاقی و فلسفی پرداخته، تنها یک راه حل را برای حل موضوع حجاب، متصور می‌داند و آن‌هم، واگذاری امر پوشش به انتخاب فردی خود زنان است و لحاظ کردن این نکته که از منظر اخلاقی در روزگار کنونی نپوشاندن موی سر و گردن، مصداق بی‌عفتی و بی‌اخلاقی نیست.

مشروح این گفتگو در ادامه آمده است.

## آقای دباغ، به نظر شما آیا تحمیل حجاب به زنان، مغایر با حقوق شهروندی آنها و امری غیر اخلاقی نیست؟

به نظرم تحمیل حجاب به افراد متضمن نادیده انگاشتن حقوق شهروندی آنها و امری غیر اخلاقی است، بدین معنا که اجبار فردی به کاری به رغم میلش، می‌تواند کاری غیر اخلاقی باشد. اگر نحوه پوشش کسی متعارف و مطابق با عرف باشد؛ رواست، در غیر اینصورت باید مواخذه شود، همانگونه که در همه جای دنیا اگر شهروندان لباس غیرمتعارف بپوشند یا برهنه وارد محافل عمومی شوند، بازخواست می‌شوند. از حد متعارف که در گذریم، اجبار افراد به این که فلان و بهمان سبک پوشش را رعایت کنند کاری غیر اخلاقی است و متضمن نفی حقوق شهروندی. ممکن است کسانی که به حجاب اجباری باور دارند بگویند در حال حاضر در قانون جمهوری اسلامی این امر گنجانده شده و ما با حجاب اجباری قانونی مواجهیم، اما قانون هم می‌تواند غیر اخلاقی و غیر عادلانه باشد. هیچ قانونی وحی منزل نیست، اگر قانونی غیر اخلاقی باشد، قانونی که اختیار افراد را در نحوه پوشش متعارف سلب کند، غیر موجه است. قصه حجاب اجباری از این سنخ است، نگاه کنید به کثیری از کشورهای مسلمان نشین منطقه، قانونی به نام حجاب اجباری ندارند.

## شما معتقد به حجاب اختیاری هستید اما آیا معتقدید که حکومت در این

## زمینه باید کاملاً بی طرف باشد؟

بله، همان گونه که در پاسخ پرسش قبلی آوردم حکومت نباید در این حوزه ها دخالت کند، بلکه باید امنیت را حفظ کند و بر حسن اجرای قوانین عادلانه در جامعه نظارت کند؛ قوانینی که متضمن پاسداشت مناسبات اخلاقی حداقلی در جامعه اند و محل امنیت و اختیار

اموری چون «ارشاد دولتی»، تعیین سبک زندگی شهروندان توسط دولت، اموری ناموجه و ناروا هستند.

شهروندان نیست؛ بیش از آن را باید به «جامعه مدنی» و «فضای عمومی» سپرد. شهروندان می‌توانند عقاید خود درباره حجاب را با دیگران در میان گذارند و منتشر کنند، چه کسانی که به حجاب معتقدند، چه کسانی که معتقد نیستند؛ در عین حال افراد در جامعه می‌توانند آن طور که مایلند مطابق با پوشش عرفی ظاهر شوند، اما بیش از این وظیفه دولت نیست. به تعبیر دیگر، هم حجاب اجباری غیر اخلاقی است، هم بی حجابی اجباری؛ از این رو قصه کشف حجاب در زمان رضا شاه هم امری خطا و غیر اخلاقی بود. همان گونه که می‌گوییم دولت نباید بیش از پوشش متعارف را اجباری کند و به زنان فشار بیاورد، از آن سو نیز برداشتن روسری و چادر از سر خانمها به اجبار، امری غیر اخلاقی به حساب می‌آید. دولت باید بی طرف باشد و صرفاً مجالی ایجاد کند که شهروندان در امنیت زندگی کنند. در عین حال، در همه جای دنیا، عنداللزوم پلیس مداخله می‌کند و مانع از نقض حقوق شهروندی توسط کسانی می‌شود که بی محابا امنیت و حقوق شهروندان را نشانه می‌روند، اما نه بیش از آن. حکومت معلم اخلاق جامعه نیست؛ بلکه موظف به برآوردن نیازهای اولیه شهروندان نظیر پوشاک، خوراک، مسکن، بهداشت، امنیت است. افزون بر این، دولت موظف است مجالی برای برآورده شدن نیازهای ثانویه نظیر هنر، فرهنگ، معنویت... فراهم کند و نه بیشتر؛ ازاینرو اموری چون «ارشاد دولتی»، تعیین سبک زندگی شهروندان توسط دولت، اموری ناموجه و ناروا هستند.

چرا فقها تا این اندازه نسبت به موضوع حجاب حساس هستند. آیا این موضوعی است که در تاریخ اسلام هم این اندازه پر رنگ بوده یا این حساسیت یک اتفاق معاصر است؟

بستگی دارد به این که مراد شما از تاریخ اسلام چه باشد. اگر مرادتان توجه به قصه حجاب است، بدین معنا که حجاب زنان به مثابه حکمی از احکام شریعت مد نظر فقها بوده، این امر اختصاص به امروز و دیروز ندارد. قرن هاست که فقها پوشاندن موی سر و گردن زنان آن را متخذ و مقتبس از قرآن می دانند. جمهور فقهای فریقین، شیعیان و اهل سنت، همان گونه که در باب دیگر احکام شرعی سخن گفته اند در باب حجاب هم سخن گفته اند. اما اگر مرادتان حجاب به مثابه حجاب اجباری - دولتی باشد، این امر از وقتی مطرح شده که دین، دولتی شد و اجرای احکام شریعت مستظهر به پشتیبانی دولت و حکومت. حکومت دینی در ایران معاصر، قدمتی حدوداً چهل ساله دارد؛ چند صباحی پس از استقرار حکومت دینی، حجاب زنان اجباری شد. در واقع، از همان قرون ابتدایی همان گونه که فقها راجع به خمس، زکات، نماز، روزه و حج سخن می گفتند، درباره حجاب زنان، مطابق با آنچه در آیات دو سوره احزاب و نور آمده، سخن گفته اند ولی اجرای آنها به نحو اجباری در سطح جامعه متعلق به چند دهه اخیر است. شما دوران پیش از انقلاب بهمن ۵۷ را در نظر بگیرید. در دهه های منتهی به انقلاب، خانم های بی حجاب در مجامع عمومی ظاهر می شدند. اگر در آن روزگار از فقیهی در این باب می پرسیدید، معتقد بود زنان باید موی سر و گردن خود را بپوشانند، اما این فتاوی فقهی، ضمانت اجرایی نداشتند. فی المثل، اگر از آیت الله خویی در این باب سؤال می شد، ایشان پوشاندن موی سر و گردن برای زنان را واجب شرعی قلمداد می کرد، اما از آنجایی که به ولایت فقیه و حکومت دینی باور نداشت، اجرای احکام شرعی در سطح جامعه توسط حکومت را ضروری نمی انگاشت و صرفاً بر ثواب و عقاب اخروی حکمی فقهی نظیر پوشاندن موی سر و گردن زنان تأکید می کرد.

#### در سلسله مقالات تان در مورد حجاب از چه منظری به مقوله حجاب پرداختید؟

چنانکه می دانید، بر خلاف رای قاطبه فقها، مرحوم احمد قابل در مقالات خویش درباره حجاب از منظر فقهی به روایی نپوشاندن موی سر و گردن زنان پرداخته است. من در مقالات چهارگانه خویش، از منظر اخلاقی به مسئله حجاب پرداختم نه از منظر فقهی که صلاحیت اتخاذ رای فقهی در این باب را ندارم. قابل در کسوت یک فقیه و مجتهد بر این باور است که نپوشاندن موی سر و گردن برای زنان در

فلسفه حجاب، تفکیک میان کنیزان و زنان آزاد بوده و در روزگار کنونی، با توجه به اینکه این مسئله وجهی ندارد و تفکیک میان زنان آزاد از زنان غیر آزاد در جوامع مسلمین، دیگر محلی از اعراب ندارد، حجاب می تواند حکم دیگری داشته باشد

روزگار کنونی به لحاظ شرعی ناروا نیست و کسی که این کار را انجام دهد، مرتکب فعل حرام شرعی نشده. پیش از ایشان در میان روحانیون، حسن یوسفی اشکوری با حجاب اجباری مخالفت کرد و بابت این کار هزینه زیادی پرداخت و ابتدائاً به ارتداد محکوم شد و چند سالی طعم زندان را چشید. در مقالات «حجاب در ترازوی اخلاق»، «بی حجابی و بی عفتی؛ کدام غیر اخلاقی است؟»، کوشیده ام ادله اخلاقی اقامه کرده و استدلال کنم که نپوشاندن موی سر و گردن در روزگار کنونی، فعلی غیر اخلاقی نیست.

#### در مقایسه با دیگر ادیان، به نظر شما چرا در اسلام موضوع حجاب برجسته تر شده است؟

چون در متن مقدس به این موضوع اشاره شده است. به هر حال پوشش و خود را پوشیده نگاه داشتن در عموم سنن دینی، اعم از ادیان ابراهیمی و ادیان غیر ابراهیمی طرح شده، هر چند حدود و ثغور شرعی در ادیان گوناگون، متفاوت است. حجاب و خود را پوشاندن، مضمونی دینی دارد، نوعی خویشتن داری و حریم برای دیگران قائل شدن در آن مندرج است، بنابراین حفظ حجاب و حریم اختصاصی به اسلام ندارد، در عین حال چون مشخصاً و مصداقاً در متن مقدس مسلمانان یعنی قرآن بدان پرداخته شده و در آن از پوشش زنان سخن به میان آمده، در سنت اسلامی به تفصیل بدان پرداخته شده است. به تعبیر دیگر، اگر در قرآن و تاریخ اسلام بدان پرداخته نمی شد و از آن ذکر به میان نمی آمد، قاعدتاً فقها نیز بدان نمی پرداختند. در دوران معاصر، پیش از مرحوم قابل، مرحوم مطهری، به سبب زمانه ای که در آن می زیست و قاعدتاً به سبب پرسشهایی که با آن مواجه بود، کتابی راجع به حجاب نوشت و حدود و ثغور حجاب زنان از منظر خویش را تبیین کرد. هر چند سخنان مطهری امروزه متعارف است و توضیح ایشان درباره عدم لزوم پوشیده بودن وجه و کفین زنان، امری اجماعی و پذیرفته شده است؛ اما انتشار این سخنان در آن سالها، مخالفت های بسیاری را پدید آورد.

#### در متن مقدس و آنچه از سیره نبوی باقی مانده است بحث حجاب چه محوریتی داشته است؟

چنانکه در مقالات خود از قول امیرترکاشوند و مبتنی بر تحقیقات و تتبعات درازآهنگ ایشان در «حجاب شرعی در عصر پیامبر» نقل کرده ام، ظاهراً نحوه پوشش زنان مخاطب پیامبر در آن روزگار، با تلقی امروزی ما از حدود و ثغور حجاب متفاوت بوده است؛ زنان چیزی شبیه به دستار و عمامه بر روی سر خود می انداختند، دستار و عمامه ای که

اگر زنی موی سر و گردن خود را نپوشاند کاری غیر اخلاقی مرتکب نشده است؛ چرا که پوشش عرفی در روزگار کنونی لزوماً متضمن پوشاندن موی سر و گردن نیست.

ساتر و پوشاننده تمام سر و گردن ایشان نبوده است، لازمه این سخن این است که پوشاندن تمام موهای سر و گردن، ضروری حجاب نبوده است. افزون بر این، چنانکه مرحوم قابل آورده، حجاب در آن روزگار، اولاً و بالذات شان هویتی داشته و ناظر به تمییز زنان حره یعنی زنان مسلمان آزاد از زنان غیر حره نظیر کنیزان بوده است. افزون

بر جناب قابل، برخی از روشنفکران عرب هم، سوپیه هویتی مسئله حجاب را برجسته کرده اند. در مقاله «بی عفتی یا بی حجابی؛ کدام غیر اخلاقی است؟» به آراء برخی از متفکران و اسلام شناسان عرب مثل نصر حامد ابوزید، محمد عثمان عشاوی، محمد عابد جابری، احمد صبحی منصور در این باب استشهد کرده ام. داوری ایشان این است که فلسفه حجاب، تفکیک میان کنیزان و زنان آزاد بوده و در روزگار کنونی، با توجه به اینکه این مسئله وجهی ندارد و تفکیک میان زنان آزاد از زنان غیر آزاد در جوامع مسلمین، دیگر محلی از اعراب ندارد، حجاب می تواند حکم دیگری داشته باشد و امری ضروری به حساب نیاید. این البته رای اقلی از اسلام شناسان و قرآن پژوهان و فقهاست؛ به نحو اغلبی رای فقها همان وجوب حجاب است.

**در مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» و نیز در مقالات «بی حجابی یا بی عفتی؛ کدام غیر اخلاقی است؟» و «مسئله حجاب و فهم روشمند از قرآن» بیشتر از منظر اخلاقی به بررسی حجاب پرداختید. در این زمینه بیشتر توضیح دهید.**

بله؛ وجهه همتم در این مقالات پرداختن به مسئله حجاب از منظر اخلاقی بوده؛ به همین سبب عنوان مقاله اول را «حجاب در ترازوی اخلاق» گذاشتم، یعنی از منظر اخلاقی به قصه پوشش موی سر و گردن زنان پرداختم. علاوه بر این، در مقاله «مسئله حجاب و فهم روشمند از قرآن» توضیح داده ام که فهم روشمند از متن اقتضا می کند که شهودهای اخلاقی عرفی را در این باب جدی بگیریم و مبتنی بر آن فهم روشمندی از متن مقدس و در ما نحن فیه، مسئله حجاب بدست بدهیم. علاوه بر این، در مقاله «حجاب در ترازوی قرآن» از تفکیک بین «وجوب فقهی» و «وجوب اخلاقی» استفاده کرده ام، جهت توضیح بیشتر ادله خویش و تبیین این امر که اگر چیزی وجوب فقهی داشته باشد، لزوماً وجوب اخلاقی ندارد و بالعکس. مبتنی بر همین نکته توضیح داده ام که پوشاندن موی سر و گردن وجوب اخلاقی ندارد. به تعبیر دیگر، اگر زنی موی سر و گردن خود را نپوشاند کاری غیر اخلاقی مرتکب نشده است؛ چرا که پوشش عرفی در روزگار کنونی لزوماً متضمن پوشاندن موی سر و گردن نیست.

**برخی روشنفکران دینی معتقد به حجاب اختیاری هستند اما در عین حال می گویند که باید حدی هم رعایت شود و به این ترتیب نگاهی محتاطانه نسبت به آزادی پوشش دارند. آیا در دیدگاه شما هم آزادی پوشش حد و مرزی دارد؟**

حد آزادی پوشش، حد و مرز عرف است؛ نحوه پوششی که خلاف عرف جامعه نباشد. وقتی می گویند حد و مرز پوشش چیست، یعنی افراد مطابق با آن پوشش خود را در جامعه تنظیم می کنند. اینجا حقوق و قانون باید ملاک باشد. درک عرفی از پوشش در قانون گنجانده می شود؛ اگر کسی از آن حدود عدول کرد، از منظر حقوقی می توان او را مواخذه کرد؛ این امر اختصاصی به ایران و کشورهای اسلامی ندارد، در همه جای دنیا کسی که از قوانین عدول کند، مواخذه می شود. اما قصه با تبیین سوپیه حقوقی و قانونی مسئله تمام نمی شود، بلکه باید به سوپیه اخلاقی مسئله هم پرداخت. ملاحظه کنید، رای خویش درباره روایی اخلاقی نپوشاندن موی سر و گردن زنان در روزگار کنونی را تبیین کردم. علاوه بر این، قابل تامل است که در سوره نور، مخاطب آیات هم زنان و هم مردان هستند، نه تنها زنان: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن» و «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن». یعنی توصیه اخلاقی به پاکدامنی و غض بصر و رفتار عقیقانه پیشه کردن تنها متوجه زنان نیست، بلکه متوجه مردان هم هست، توصیه های اخلاقی که به زنان شده، به مردان هم شده است؛ هر چند عده ای به خطا بحث از حجاب و رفتار عقیقانه را تنها متوجه زنان می دانند. لازمه این سخن این است که زنان را به «ابژه جنسی» تقلیل دادن و فقط از پوشیده بودن زنان سراغ گرفتن و بر آن تاکید کردن، امر ناموجهی است. باید نگاه انسانی به زن و مرد جایگزین نگاه جنسی شود؛ این مهم البته در جامعه ما با مختصات اجتماعی کنونی اش، نیاز به فرهنگ سازی نیاز دارد.

در مورد حدود و ثغور پوشش یا آزادی پوشش باید اشاره کنم به کشورهای عربی مسلمان نشین که فرهنگ شان به ما نزدیک تر است. در برخی از این کشورهای عربی مثل مراکش، مالزی، دوبی و ترکیه شخصا دیده ام زنان مسلمان در فضای عمومی چگونه ظاهر می شوند. حجاب، در آنجا اجباری نیست؛ زنان محجبه در سطح جامعه رفت و آمد می کنند، همچنین زنان غیرمسلمان و غیرمحجبه نیز با پوشش عرفی در مکانهای عمومی ظاهر می شوند. شبیه این پوشش را در امریکا و کانادا در محیط های کار هم می بینید. بدین معنا عرف می تواند قوام بخش حد و مرز پوشش زنان باشد.

**در دیدگاه فقها معمولاً حجاب زنان به هنجارهایی مانند عفت و پاکدامنی ارجاع داده می شود و زنی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کند از این دایره بیرون قرار می گیرد. به نظر شما این ارجاعات با چه هدفی به کار برده می شود؟**

اگر از فقها بپرسید می گویند این فرمان خداوند است که زنان چنین پوششی داشته باشند، مطابق با درکشان از متن مقدس و روایات و سنت فقهی. بدین معنا رای غالب فقها از این قرار است، انگیزه اصلی ایشان هم اجرای اوامر و نواهی خداوند است. از سوی دیگر، نواندیشان مسلمان نظیر یوسفی اشکوری، احمد قابل و من که درباره حجاب سخن گفته اند، تلاش کرده فلسفه حجاب و زمینه و زمانه تکون این

حکم فقهی را تبیین کرده، نگاه اخلاقی را در کنار نگاه فقهی بنشانند. در عین حال، عموم نواندیشان دینی معتقدند باید دیگر احکام فقهی اجتماعی را از منظر پدیدارشناسانه، تاریخی، معرفت شناختی و اخلاقی نیز واکاوی کرد؛ احکامی مثل سنگسار، ارتداد، سب نبی ... باید در ترازوی اخلاق توزین شوند. این عین تاسی به سنت نبوی است و «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» را برکشیدن و از پی آن روان شدن. تتمیم مکارم اخلاقی در روزگار کنونی متضمن جدی انگاشتن شهودهای اخلاقی عرفی و آنها را لحاظ کردن و فهم از دیانت و فقاقت را حول آنها سامان بخشیدن است. از سوی دیگر، عموم فقها، احکام فقهی را غیرتاریخی می بینند، بدین

اکنون تعداد قابل ملاحظه ای از دختران و زنان ایرانی در شهرهای بزرگ را می بینید که روسری آنها نیمه و نصفه است، کسی که به حجاب باور دارد حجاب خود را به طور کامل رعایت می کند، مشخص است که این دختران و زنان از سر اجبار حجاب گذاشته اند. تصور می کنم، اگر روزی آزادی پوشش برقرار شود، بخشی از جامعه دیگر حجاب اسلامی نخواهد داشت

معنا که در زمینه و زمانه پیدایی آنها چندان نظر نمی کنند و به نحو تحت الفظی در مورد تمام احکام فقهی از جمله حکم حجاب سخن می گویند. موضع بدیل، که موضع رفرمیست های مسلمان است، زمینه و زمانه پیدایش متن مقدس و سنت دینی را به جد لحاظ می کند و برای صورتبندی و برشمردن مقومات نحوه زیست مسلمانی رهگشا و شکوفا کننده در روزگار کنونی، از آموزه های اخلاقی، معرفت شناختی، جامعه شناختی و پدیدارشناختی مدد می گیرد. چنانکه می بینید، در اینجا یک اختلاف مبنایی وجود دارد میان رفرمیست های دینی و جمهور فقها که مواجهه غیرتاریخی و تحت الفظی با سنت دینی دارند.

#### با فهم و برداشتی که از جامعه ایران دارید آیا اگر روزی آزادی پوشش برقرار شود ما شاهد کنار گذاشته شدن حجاب اسلامی توسط زنان خواهیم بود؟

این یک پرسش تجربی است و پاسخ آن، متضمن انجام تحقیقی میدانی است. من عدد و رقم ندارم اما استنباطم این است که به خصوص در شهرهای بزرگ، این اتفاق رخ می دهد؛ یعنی عده ای که به هر علت و دلیلی مایل نیستند پوشش شان مطابق با پوشش رسمی کنونی کشور باشد، حجاب خود را بر می دارند. اکنون تعداد قابل ملاحظه ای از دختران و زنان ایرانی در شهرهای بزرگ را می بینید که روسری آنها نیمه و نصفه است، کسی که به حجاب باور دارد حجاب خود را به طور کامل رعایت می کند، مشخص است که این دختران و زنان از سر اجبار حجاب گذاشته اند. تصور می کنم، اگر روزی آزادی پوشش برقرار شود، بخشی از جامعه دیگر حجاب اسلامی نخواهد داشت، کما اینکه قبل از انقلاب هم عده ای روسری و چادر نداشتند. در عین حال به نظرم کشور ما همچنان جامعه ای مذهبی و متشرع است، بدین معنا که در کل کشور، افزون بر ۵۰ درصد مایل به اجرای احکام شریعت، از جمله حکم حجاب هستند. تمام همت ما باید معطوف به اختیاری شدن حکم حجاب باشد؛ و الا بسیار بعید است روزی اجرای احکام شریعت از میان مردمان کشور ما رخت برمی بندد، از جمله حکم حجاب. در عین حال اگر اجرای احکام اختیاری باشد، عده ای حجاب خود را حفظ خواهند کرد، جماعتی نیز حجاب خود را نخواهند داشت. عده دیگری نیز اگر مختار باشند حجاب خود را بر می دارند، در عین حال معتقد خواهند بود همچنان در دایره اسلام قرار دارند و خود را مسلمان می انگارند؛ لازمه این سخن این است که هر کس حجاب ندارد، لزوماً از دایره و سلک مسلمانی بیرون نرفته است.

اشتراک گذاری این مطلب:

 نویسنده  
 فیسبوک 104  
 رایانه  
 چاپ

مرتبط



ما، هم به قرآن نگاه تقدی داریم و هم به پیامبر در «اندیشه»



حجاب اجباری نه اخلاقی است نه دینی در «پرونده ویژه ۱»



حجاب اجباری نه اخلاقی است نه دینی در «اندیشه»

بازگشت به صفحه اول



«مطلب قبلی»